

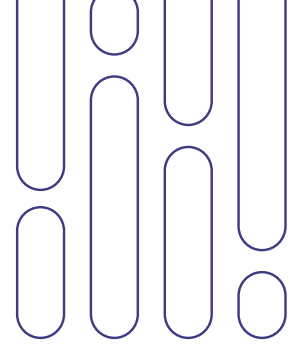
گزارش

## تحليل محتوای خطبه خامنه ای

16 اکتبر 2024 میلادی



**RASANAHA**  
المعهد الدولي للدراسات الإيرانية  
International Institute for Iranian Studies



## فهرست مطالب

4	..... نخست: پیامهایی خطاب به جامعه تشیع و فضای داخل ایران
6	..... دوم: یاد آوری فضیلت های لبنان
7	..... سوم: نابودی اسرائیل
9	..... چهارم: محوریت شهادت و توجیه ترور
10	..... پنجم: وحدت اسلامی در مقابله با دشمن
11	..... پایان

استراتژیست های ایرانی از همان ابتدای انقلاب در سال 1979 میلادی در اندیشه پاسداری از ایران در آن سوی مرزها برآمدند تا از نزدیک شدن دشمن به مرزها و نفوذ به قلب کشور جلوگیری کنند. نظریه های فرعی در مورد صدور انقلاب از همینجا نشأت گرفت. و به دنبال آن، ایران به ایجاد گروهها و بازیگران غیردولتی روی آورد که از تهران فرمان بگیرند و در مسائل فقهی و سیاسی از ولی فقیه ایران تقلید کرده و کاملاً فرمانبردار باشند. اما در مورد راهبرد اسرائیل، استراتژیست های اسرائیل اخیراً دریافته اند که جنگ چندین دهه آنان با بازوهای نیابتی ایران گرهی از مشکل اسرائیل نمی گشاید. و چاره ای جز این نیست که تهران را تنبیه کنند و یا حتی سرش را ببرند. در میانه این دو دیدگاه، دیدگاههای منطقه ای و بین المللی در تلاشند تا منطقه خاورمیانه را از چنگال جنگ گسترده ای که می تواند به همه آسیب بزند، نجات دهند. این دیدگاه میانه که تلاش دارد با اتخاذ موضع عادلانه ای افراطی گریهای هر دو طرف را مهار کند، خواهان همزیستی مسالمت آمیز، احقاق حقوق فلسطینیان در تشکیل یک کشور مستقل با مرزهای 1967 میلادی و عدم تعرض به غیر نظامیان هر دو طرف هستند.

بعد از آنکه سید حسن نصرالله رهبر حزب الله لبنان در 27 سپتامبر 2024 میلادی در پی حمله اسرائیل به مقر فرماندهی در ضاحیه بیروت ترور شد، علی خامنه ای رهبر ایران تصمیم گرفت تا شخصاً در روز جمعه مصادف با 4 اکتبر 2024 میلادی، بعد از پنج سال غیبت، نماز جمعه را اقامه کند. بعد از حمله موشکی ایران به اسرائیل، خامنه ای خواست از تریبون نماز جمعه چندین پیام به طرفهای داخلی و خارجی ارسال کند. گفتنی است که 5 ماه قبل از این نیز ایران در پاسخ به حمله اسرائیل به ساختمان کنسولگری ایران در دمشق مستقیماً اسرائیل را هدف حملات موشکی قرار داد. جالب اینجاست که خامنه ای خطبه دوم را خطاب به جهان عرب و مخصوصاً ملت فلسطین و لبنان، به زبان عربی ایراد کرد. این دومین باری است که او برای ارسال پیامهای خود به جهان عرب، به زبان عربی خطبه می خواند. خطبه اول

او به زبان عربی مربوط به سال 2011 میلادی است که در اوایل تحولات بهار عربی ایراد کرد.

می توان گفت که خطبه نماز جمعه در ایران، از جمله امور حکومتی و از وظایف رهبر و ولی فقیه است. او می تواند شخصا نماز جمعه را اقامه کند و یا اینکه این مأموریت را به فرد دیگری بسپارد. با این همه، در اکثر موارد از زمان خمینی تا کنون، ولی فقیه به فرد دیگری مأموریت داده تا به نیابت از او نماز جمعه را اقامه کند و خودش تنها در زمانهای حساس در نماز جمعه حاضر شده است تا از طریق خطبه های نماز جمعه پیامهای مهمی را به داخل و خارج ارسال کند. به عنوان مثال، خامنه ای در 3 فوریه 2021، و همچنین در ژانویه 2020 میلادی بعد از حمله موشکی ایران به پایگاه عین الاسد در پاسخ به ترور قاسم سلیمانی فرمانده پیشین «سپاه قدس» و اخیرا در چهارم اکتبر بعد از ترور حسن نصرالله شخصا نماز جمعه را اقامه کرد. در نتیجه، رهبر تنها زمانی شخصا نماز جمعه را اقامه می کند که بخواهد از تربیون نماز جمعه پیامهای مهمی را به داخل و خارج ارسال کند. برای درک بهتر ذهنیت و ماهیت رفتارهای ایران، در اینجا پیامهایی که خامنه ای صراحتا و یا تلویحا به آن پرداخته است، را مورد بررسی قرار می دهیم.

## نخست: پیامهای خطاب به جامعه تشیع و فضای داخل ایران

خامنه ای از همان عبارات آغازین خطبه، نشان داد که به نیابت از تمام جوامع شیعی در ادامه نبردهای دیرین شیعه علیه دشمنان، او همچنان سنگر را حفظ کرده است. او ابتدا به پیامبر (ص) و سپس به «خاندان پاکش» مخصوصا «دوازده امام» درود فرستاد اما هیچ طلب رضوان و یا درودی نثار دیگر صحابه پیامبر نکرد. از ادبیات او و واژگانی که به کار می برد، پیدا بود که او از نارضایتی مردمی و مخصوصا شیعیان و پراکنده شدن شیعیان لبنان از اطراف حزب الله نگران است. از این رو، به آنان گوشزد کرد که نصرالله فردی بود که جای خالی موسی صدر و عباس موسوی را پر کرد و پرچم آنها را برافراشته نگهداشت. او عمدا از این دو شخصیت نام برد؛ زیرا موسی صدر

در حافظه جمعی لبنان و شیعیان نام نیکی از خود بر جای گذاشته است. رویکرد او با رویکرد ولایتمداران تفاوت داشت. لذا خامنه ای خواست با یادی از او، میان فرماندهان و جوانان حزب امل و میان حزب الله و طرفدارانش وحدت ایجاد کند. اما واقعیت این است که میان نصرالله و موسی صدر شکاف فکری و علمی بزرگی وجود دارد. موسی صدر گرایش ولایتمداری نداشت بلکه برخلاف نصرالله، او از مذهب گرایی و فرقه گرایی عبور کرده بود. همچنین، حافظه جمعی به یاد دارد که رهبران ایران با خاندان صدر دچار اختلاف شدند. و «سید رضا صدر» برادر موسی صدر، بعد از اینکه در مقام دفاع از استاد خود محمد کاظم شریعتمداری برآمد، مورد توهین قرار گرفت. پس نتیجه می گیریم که خامنه ای با چشم بستن بر اختلاف داخلی شیعیان، می خواست موضع لبنانی ها و همه شیعیان در مورد حسن نصرالله را متحد ساخته و او را یکی از سربازان ولی فقیه معرفی کند؛ زیرا او حزب الله و جنبش امل را با یک عبارت مورد خطاب قرار داد و گفت: « عزیزان من، ملت باوفای لبنان! جوانان پرشور حزب الله و امل، فرزندان من، امروز هم خواسته سید شهید ما از ملتش، و از جبهه مقاومت، و از همه امت اسلامی همین است. او در عین حال، اقدام زشت «دشمن» در حمله به غیر نظامیان را ناشی از ناتوانی در غلبه بر مقاومت و حزب الله دانست. لذا، خامنه ای می خواهد مانع پراکنده شدن طرفداران حزب الله در لبنان شده و حزب الله را یک حزب مستحکم و شکست ناپذیر معرفی کند و مسئولیت کشتار غیر نظامیان صرفا متوجه اسرائیل و ساحت حزب الله را از آن بری بداند.

مطلب دیگر اینکه، معمولا هر وقت خامنه ای شخصا نماز جمعه را اقامه کرده است، بعد از ایراد خطبه ها و اقامه نماز جمعه، محل را ترک می کرد. اما این بار مدت بیشتری در مصلی ماند و حتی نماز عصر را نیز همراه نمازگزاران به جا آورد. تا با نمایش شجاعت، خیال جبهه شیعیان داخلی و خارجی را راحت کند؛ به ویژه که اخیرا برخی شبکه های رسانه ای از این سخن می گفتند که او بعد از ترور حسن نصرالله در پناهگاه امن مخفی شده است. به نظر می رسد ترور حسن نصرالله با آن شیوه ای که انجام شد، ایرانیها و مخصوصا آن

طیف ولایت‌مدار را به شدت نگران ساخت. و خامنه‌ای خواست با حضور در نماز جمعه باردیگر آن چهره رهبرانقلابی و ولی فقیه تمام شیعیان را از خود نشان دهد و اسرائیل و آمریکا را به مبارزه بطلبد. یعنی تلاش کرد همان روحیه پیش از ترور نصرالله را احیا کند؛ و این اقدام او تا حد زیادی مخصوصاً در میان طرفداران، مقلدان و توده شیعیان، جواب داد.

## دوم: یاد آوری فضیلت های لبنان

خامنه‌ای تلاش کرد دل ملت لبنان را به دست آورد و نگذارد که آنها پشت حزب الله را خالی کنند. او به رابطه تاریخی میان لبنان و ایران اشاره کرد و گفت: «ما ایرانیها از زمانی دور با لبنان و مزیت‌هایش آشنا هستیم؛ کسانی چون شهید محمد بن مکی عاملی، و علی بن عبدالعالم کرکی، و شهید زین الدین عاملی، و حسین بن عبد الصمد عاملی، و پسرش محمد بهاء الدین، معروف به شیخ بهایی و غیر آنها از مردان علم و دین، ایران را در دولت‌های سریداران و صفوی در قرن های هشتم و نهم و یازدهم هجری از برکات دانش سرشار خود بهره مند کرده اند.»

در اینجا گویا خامنه‌ای می‌خواهد به انتقاد آن عده از لبنانی‌ها پاسخ دهد که «حزب الله» را مورد سرزنش قرار می‌دهند که چرا لبنان را به جنگی که ربطی به لبنان ندارد بلکه جنگ ایران است، درگیر کرده است. خامنه‌ای در بیان رابطه تاریخی میان ایران و لبنان، صرفاً به روابط مرتبط با مذهب شیعی اکتفا کرد. و از روابط دو کشور در حوزه‌های مختلف صرف نظر کرد. از نظر خامنه‌ای، اقدام حزب الله در کشاندن پای لبنان به جنگها، نوعی خدمت برای لبنانی و ادای دین نسبت به آنهاست. جالب است که علی‌رغم اینکه به گواهی مورخان شیعی، صفویان در حق اهل سنت جنایتهای بیشماری مرتکب شدند و خامنه‌ای نیز به آن جنایات واقف است اما او از دوره صفوی بی‌محابا یاد کرد. این امر نشان می‌دهد که او این مسائل مذهبی را به خوبی هضم کرده است و اکنون در تلاش است شیعیان را در پیروی از خود متحد سازد و در این میان نسبت به عموم ملت اسلام بی‌توجهی نشان می‌دهد.

## سوم: نابودی اسرائیل

رهبر ایران همواره عبارتهایی چون «نابودی اسرائیل»، و اینکه دولتی سست که تاب ماندن ندارد، را تکرار می کند. اما واقعیت این است که همان اسرائیل فرماندهان رده بالای ایرانی را در قلب دمشق و اسماعیل هنیه را در قلب تهران و در داخل مقر سپاه پاسداران ترور کرد، به سیستم ارتباطی فرماندهان حزب الله نفوذ و مکالمات آنها را شنود کرد و تعداد زیادی از آنها را از میان برداشت. اما با این حال، ایران قبل از «عملیات وعده صادق 2» مدت مدیدی به نشان «صبر راهبردی» سکوت کرد. رهبر ایران در خطبه اش همان مسأله نابودی اسرائیل را بار دیگر تکرار کرد و گفت: «این رژیم خبیث، بی ریشه و جعلی و ناپایدار است و صرفاً با تزریق حمایت‌های آمریکا خود را به سختی بر سر پا نگه داشته است؛ و این هم به اذن خدا دیری نخواهد پایید. دلیل واضح این ادعا آن است که اکنون یک سال است که دشمن با هزینه کرد چندین میلیارد دلار در غزه و لبنان و با کمک همه جانبه آمریکا و چند دولت غربی دیگر در رویارویی با چند هزار مرد مبارز و مجاهد فی سبیل الله که در محاصره هستند و هرگونه کمک خارجی به آنها ممنوع است، شکست خورده و تنها هنرشان بمباران خانه ها، مدارس، بیمارستانها و مراکز جمعیتی غیر نظامیان بوده است». او که می گوید اسرائیل از چند هزار مبارز شکست خورده است، توضیحی نمی دهد که پیروزی و شکست در نظر او چه مفهومی دارد؟ وقتی کشته شدن هزاران غیر نظامی و حتی ترور فرماندهان مقاومت، ویرانی غزه و بیروت و لبنان، و احتمال گسترش درگیری به سوریه، عراق، یمن و شاید هم ایران به معنای شکست نیست، پس معنای شکست و معنای پیروزی چیست؟ پرواضح است که شکست‌های پی در پی ایجاب می کند که جبهه مقاومت با مراجعه به نظر اندیشمندان و صاحب نظران، پیشنهادات نهادها و مراکز اندیشه، در راهبرد خود تجدید نظر کند. این کج فهمی رهبری ایران از خطر بزرگی خبر می دهد. این مسأله در درجه اول گویای این واقعیت است که جان فرماندهان برای رهبر مهم نیست تا چه رسد به جان غیر نظامیان بی گناه. و در درجه دوم نشان می دهد که رهبر ایران در این جنگ، که آن را یک

جنگ مقدس می داند، همچنان به پیش می تازد. و این تقریباً همان کلامی است که ابو عبیده سخنگوی جنبش حماس در 7 اکتبر 2024 یعنی در اولین سالگرد طوفان الاقصی آن را تکرار کرد. و عجب اینکه خامنه ای از قول رهبران اسرائیل می گوید که آنها خودشان هم به شکست و ناتوانی اعتراف و اقرار کرده اند. او در این باره گفت: « امروز خود باند جنایتکار صهیونیست هم به این نتیجه رسیده اند که بر حماس و حزب الله هرگز پیروز نخواهند شد ». اما او توضیحی نداد که چه زمانی به این نتیجه رسیدند و کدام یک از فرماندهان اسرائیل به این نتیجه رسیده اند. واقعیت این است که او با به زبان راندن عبارات عامه پسند می کوشد اعتبار خود به عنوان یک رهبر و اعتبار ایران به عنوان کشوری که مدافع شیعیان است و یا باید مدافع شیعیان باشد، را ترمیم کند. خامنه ای در شرایطی این سخنان را مطرح می کند که تهران متهم است جنگهای خود را آن سوی مرزهای خود مدیریت می کند تا سایه جنگ را از تهران دور نگهدارد. و در این میان، ویران شدن پایتختهای متحدانش چندان اهمیتی برای تهران ندارد.

همچنین سخن گفتن از پیروزی همیشگی و اینکه در نهایت پیروزی از آن مقاومت خواهد بود، ایده و یا تجدید نظر در افکار، سیاست و راهبرد را به تأخیر می اندازد. زیرا تجدید نظرها معمولاً بعد از شکست ها اتفاق می افتد. اما خامنه ای برای باور است که آنچه رخ می دهد، پیروزی قاطع غزه و لبنان و نیابتی های ایران در منطقه است. در نتیجه، نیازی به تجدید نظر و یا حساب و کتاب باقی نمی ماند.

## چهارم: محوریت شهادت و توجیه ترور

خامنه ای برای اینکه به « نیروهای مقاومت » در صف حزب الله و حماس و دیگر گروهها روحیه بدهد، به ترور چند تن از رهبران « انقلاب اسلامی » در اوایل دهه هشتاد قرن بیستم اشاره کرد که برخی از آن به دوره جنگ داخلی در ایران یاد می کنند. و در آن زمان بسیاری از سیاستمداران، روحانیون ایران ترور شدند. خامنه ای در این مورد گفت: « ای مردم مقاوم لبنان و فلسطین،



مبارزان شجاع و مردم صبور و قدرشناس، این شهادتها، این خونهای بر زمین ریخته، نهضت شما را سست نمیکند، بلکه استوارتر می کند. در ایران اسلامی در حدود سه ماه تابستان سال 1981 میلادی چند ده شخصیت برجسته و ممتاز ما ترور شدند که یکی از آنها شخصیت بزرگی مثل سید محمد بهشتی بود، یکی رئیس جمهوری مثل رجائی و نخست وزیر مثل باهنر بود، علمائی از قبیل آیت الله مدنی و قدوسی و هاشمی نژاد و امثال اینها بودند. اینها هر کدام در سطح ملی یا محلی از ستونهای انقلاب به شمار می آمدند و فقدانشان چیز آسانی نبود؛ ولی انقلاب متوقف نشد، عقب نشینی نکرد، بلکه سرعت گرفت. «خامنه ای می خواهد بگوید چون ترور رهبران انقلاب ایران نتوانست انقلاب ایران را از مسیرش بازدارد، پس ترور فرماندهان مقاومت نیز نمی تواند جریان مقاومت را از مسیرش بازدارد. او نتیجه می گیرد که پیروزی برای مقاومت حتمی است؛ زیرا مقاومت سبب شد که « رژیم صهیونیستی » نگران بقای خود باشد. و از همان روز اول تأسیس مقاومت، رژیم اسرائیل دغدغه بقای خود را داشت. در نتیجه، مقاومت اسرائیل را هفتاد سال به عقب رانده است.

لذا، خامنه ای خواست این نکته را به نیروهای مقاومت و عموم ملت‌های لبنان و فلسطین تذکر دهد که « شهادت فرماندهان و سربازان که شهادت فی سبیل الله است، به روند جهاد علیه « رژیم اسرائیل » جانی تازه می بخشد. از این رو، این ترورها نمی تواند مانعی بر سر راه تداوم و کارآیی مقاومت باشد. و خامنه ای برای اثبات ادعای خود به تجربه ترور رهبران انقلاب ایران در ابتدای دهه هشتاد قرن بیستم استناد کرد. غافل از اینکه ترورهای آن زمان در ایران، ناشی از جنگ داخلی میان گروه‌های درگیر در داخل یک کشور بود و برخلاف وضعیت کنونی لبنان و فلسطین، قدرتهای بین المللی در فضای داخلی کشور صحنه گردانی نمی کردند. در نتیجه، تشویق به جنگ بدون در اختیار داشتن ساز و برگ جنگی مناسب و بدون رهبری، در یک جنگ کاملاً نامتوازن و نامتقارن، یک اقدام انتحاری محض است که تنها برای فشار بر اسرائیل و مدیریت جنگ آن سوی مرزهای ایران صورت می گیرد. گویی که

ایران حتی حاضر است برای حفظ امنیت ملی و پاسداری از ارزشهای ولایی که از آن دم می زند، بازوهای نیابتی که تا کنون مبالغ زیادی برایشان هزینه کرده است، را نیز قربانی کند.

## پنجم: وحدت اسلامی در مقابله با دشمن

خامنه ای در سخنرانی اش بر مسأله وحدت مسلمانان و جهان اسلام برای مقابله با « اسرائیل » تأکید کرد. او در ابتدای خطبه اش گفت: « مخاطب این خطبه همه دنیای اسلام است، ولی ملت عزیز لبنان و فلسطین مخاطب ویژه است ». اما در عین حال، او نقشه راهی برای این وحدت ارائه نداد و حتی تعریفی از مفهوم امت نیز ارائه نکرد که آیا منظور از امت اسلامی صرفا کسانی هستند که ولایت او را پذیرفته اند و یا مسلمانانی که در روش و مذهب با او متفاوت هستند را نیز شامل می شود؛ زیرا او از هیچ رشته ارتباطی میان او و آن امت یادی نکرد. و صرفا بر سخن از میراث شیعی مانند حکومتهای سربرداری، صفوی، علمای شیعه و امامان آنها تمرکز کرد. و هیچ نامی از یک عالم و یا فقیه اهل سنت به میان نیاورد! خامنه ای در سالروز شهادت حسین بن علی از نبرد میان جبهه حسینی و جبهه یزیدی سخن گفت که تا روز قیامت ادامه دارد! در نتیجه، مفهوم امت از نگاه خامنه ای همان عده ای هستند که ولایت او را پذیرفته اند و از او با عنوان ولی امر مسلمین جهان یاد می کنند. از نگاه راهبرد ایران، این ولایت محدود به مرزهای جغرافیایی و مذهبی نیست. اما کسی که به این ولایت تن ندهد و یا آن را نپذیرد، در جبهه یزیدی قرار می گیرد.

لذا می توان گفت که جنگ کنونی، جنگ میان دو کشور است. یک کشور، ایران است که خود را نماینده حق، مذهب و دین می داند و از همه جهان اسلام می خواهد که به ولایت ولی فقیه نه فقط به عنوان رهبر ایران و یا رهبر شیعیان، بلکه به عنوان رهبر تمام مسلمانان تن دهند. و کشور دیگر، اسرائیل است که در تلاش است تمام منطقه خاورمیانه را تغییر دهد. و بر اساس عهد عتیق، همان افسانه دینی از نیل تا فرات را در سر می پروراند.

## پایان

هدف خامنه ای از اینکه شخصا خطبه نماز جمعه را بخواند، این بود که وحدت را در صفوف ایرانیان و همچنین در صفوف تمام شیعیان احیاء کند. و روحیه از دست رفته آنان را تقویت کند. واقعیت این است که اخیراً، ایران و گروههای نیابتی شکست های سخت و دنباله داری را متحمل شدند. این ضربه ها از حمله اسرائیل به ساختمان کنسولگری سفارت ایران در دمشق آغاز شد، با ترور اسماعیل هنیه و فؤاد شکر و تعدادی از فرماندهان حزب الله ادامه یافت و در تازه ترین مورد نیز حسن نصرالله ترور شد. احساس ناامیدی بر شیعیان چیره شد و آنان طعم شکست و خواری را چشیدند. اینگونه بود که «صبر راهبردی» که خویشانداری ایران را در محافل شیعی توجیه می کرد، به پیروزی راهبردی اسرائیل بدل شد و اینجا بود که ایران شهرهای اسرائیل را مستقیماً هدف حملات موشکی خود قرار داد و خامنه ای بعد از پنج سال غیبت از نماز جمعه، خطبه خواند تا افکار عمومی جامعه تشیع را ترمیم کند و اهمیت جهاد و فضیلت شهادت در راه خدا را به جامعه تشیع گوشزد کند. و به آنان اطمینان دهد که در نهایت، مقاومت در لبنان و غزه پیروز میدان خواهد شد. و رژیم صهیونیستی مانند درخت ناپاک است که از زمین ریشه کن شده و هیچ قرار و ثباتی ندارد! این نوع سخنرانی با عبارات دینی و مذهبی صرفاً برای روحیه دادن است و در این میان مصلحت اندیشی سیاسی و یا استفاده از ظرفیتهای دیپلماسی جایی ندارد. پیداست که هدف خامنه ای از این سخنان در مقام اول، حفظ یکپارچگی صفوف داخلی مقاومت و همچنین تقویت وحدت جوامع شیعی است. هدف اصلی او همانا ترمیم و تقویت مشروعیت رهبر است تا مبادا اتهاماتی چون ترس، ضعف و پناه گرفتن در پناهگاههای زیرزمین به اعتبار او آسیب بزند.





---

✉ [info@rasanahiiis.com](mailto:info@rasanahiiis.com)

🐦 [@rasanahiiis](#)

🌐 [www.rasanah-iiis.org](http://www.rasanah-iiis.org)

